نجوم الفلک

حضرت آیة الله العظمی حاج سید
محمد حسینی شیرازی (قدس سره الشریف)

بسم الله الرحمن الرحیم

نجوم الفلک

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

اعلمی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نجوم الفلک

مشخصات کتاب

نویسنده : حضرت آیة الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی

(قدس سره الشریف)

چاپ اول

نجف أشرف / مطبعة النعمان / ۱۳۷۶ ه / ۱۹۵۶م

چاپ دوم

تهران / ایران / انتشارات اعلمی

چاپ سوم

۴۲۱ ه / ۲۰۰۰م

مؤسسة المجتبی للتحقیق والنشر

بیروت لبنان ص.ب: ۶۰۸۰ /۱۳ شوران

البرید الإلکترونی: almojtaba@shiacenter.com

بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله أحد

الله الصمد

لم یلد ولم یولد

ولم یکن له کفواً أحد

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم

(نجوم الفلک) جزوه ای که در دست دارید، از تألیفات أولیه بزرگ مرجع جهان تشیع، حضرت آیة الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی می‌باشد، که در کربلای معلا وقریب به ۵۰ سال پیش تألیف وقبلاً دو بار در ضمن کتاب (المقدمات) به چاپ رسیده است. کتاب (المقدمات) مشتمل بر ۱۰ جزوه مختلف در ۱۰ علم گوناگون میباشد که مؤلف آن را جهت مبتدئین از طلاب علوم دینی نگاشته است.

لازم به تذکر است که این جزوه از اندک تألیفات معظم له به زبان فارسی بوده() وچون به سبک فارسی قدیم نگاشته شده بود بر آن شدیم تا آن را تغییر ندهیم.

وبرای استفاده بیشتر این جزوه را به صورت مستقل چاپ نموده ودر اختیار همگان قرار دادیم.

در پایان از خداوند بزرگ خواستار قبول اعمال وتوفیق روز افزون هستیم.

مؤسسة المجتبی للتحقیق والنشر

بیروت لبنان ص.ب: ۶۰۸۰ /۱۳ شوران

البرید الإلکترونی: almojtaba@shiacenter.com

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین، وصلی الله علی محمد وعترته الغر المیامین، ولعنة الله علی أعدائهم إلی یوم الدین.

وبعد: این مختصری است در علم هیئت بر اسلوب پیشینیان.

کربلاء المقدسة

محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

۱ نجم اول

در عناصر وافلاک است

بدانکه قدماء را اعتقاد بر آن است که عالم یک کره است که مرکز آن مرکز زمین است.

واین کره ترتیب داده شده است از سیزده کره که یکی از آنها ناقص است.

وهر یک از این کرات در جوف دیگری است به قسمی که محدب (خمی) هر یک مماس است با مقعر (توی) دیگری وترتیب آنها از پائین به بالا بر این نحو است:

۱: زمین.

۲: آب (وآن ناقص است).

۳: هواء.

۴: آتش (واین چهار را عناصر نامند).

۵: فلک قمر.

۶: فلک عطارد.

۷: فلک زهره.

۸: فلک شمس.

۹: فلک مریخ.

۱۰: فلک مشتری.

۱۱: فلک زحل.

ودر هر یک از این آسمانهای هفت گانه از پنجم تا یازدهم یک ستاره است که نامش برده شد.

وبعض ادباء نامهای ستار گان هفت را به ترتیب مذکور به نظم در آورده اند:

در فلک هفت کوکب سیار

آفریده خدای عزوجل

قمر است وعطارد وزهره

شمس ومریخ ومشتری وزحل

وهمچنین نام ستار گان را به فارسی نظم نموده:

کواکب مه وتیر وناهید میدان

چو خورشید وبهرام وبرجیس وکیوان

۱۲: فلک البروج، ودر این تمامی ستارگان ثابت مرکوزند.

۱۳: فلک أطلس، وآن را فلک الأفلاک نیز نامند.

یوجد هنا صورة على شكل دوائر

راجع الصفحة ۲۰۸ من كتاب (المقدمات) للإمام الشيرازی

۲ نجم دوم

در بروج ودرجات است

آسمان هشتم که آن را فلک البروج نامند منقسم می‌شود به دوازده قسم، مانند خطهایی که بر پوست خربزه است که سر آنها به دو قطب شمالی وجنوبی میرسد وهر یک از این اقسام را (برج) گویند.

وابتداء آنها از طرف مغرب است وهر یک را نام مخصوصی است بدین ترتیب (از طرف مغرب).

۱: حمل.

۲: ثور.

۳: جوزاء.

۴: سرطان.

۵: اسد.

۶: سنبله.

۷: میزان.

۸: عقرب.

۹: قوس.

۱۰: جدی.

۱۱: دلو.

۱۲: حوت.

وسبب اسم گذاردن بروج را به این اسمها آن است که در هر یک از بروج ستاره گانی است که اگر آنها را متصل نمایند به یکدیگر به خطوط وهمیه مانند مسمیات نامها می‌شود.

وبدان که هر یک از بروج دوازده گانه را تقسیم به سی قسم نموده اند، وهر قسمی را (درجه) نامند، پس دور فلک سیصد وشصت قسمت می‌شود.

وهر گاه کوکبی محاذی یکی از بروج یا درجات واقع شود گویند آن ستاره در فلان برج یا فلان درجه است.

۳ نجم سوم

در دوائر وقوسهای مشهوره است

بدان که دائره بر دو قسم است:

۱: صغیره، وآن دائره ای است که نصف نکند کره را.

۲: عظیمه، وآن دائره ای است که نصف کند کره را.

وقوس عبارت است از تکه از دائره چه عظیمه باشد چه صغیره.

ودوائر عظام ده است:

اول: معدل النهار، وآن به منزله کمربند فلك الأفلاك است، ودو قطب او دو قطب عالم است:

آنکه طرف جدی است (قطب شمالی).

وآنکه در مقابل او است (قطب جنوبی) گویند.

دوم: منطقة البروج، وآن به منزله کمربند فلك بروج است، واین دائره با دائره معدل النهار به منزله دو حلقه اند که کج درهم نموده اند، پس تقاطع در دو نقطه با هم نمایند.

۱: سر حمل وآن را اعتدال ربیعی گویند.

۲: سر میزان وآن را اعتدال خریفی گویند.

وهمچنین این دو دائره بسیار دور گردند از هم در دو نقطه:

۱: سر سرطان، وآن را انقلاب صیفی گویند.

۲: سر جدی، وآن را انقلاب شتوی گویند.

ودو قطب این دائره طرف شمال وجنوب است ودوری هر یك از این دو از قطبهای معدل به قدر دوری دو دائره است.

سوم: ماره به اقطاب اربعه است وآن دائره ای است که میگذرد به چهار قطب دائره معدل ودائره منقطة البروج، وقوسی که واقع شود از این دائره بین دو دائره معدل ومنطقه، آن را (میل کلی) گویند.

ودر میل کلی اختلاف است، محقق طوسی ? به رصد مراغه آن را بیست وسه درجه ونصف تشخیص داده.

چهارم: دائره میل است واین دائره میگذرد به دو قطب معدل، وقوسی که از این دائره واقع شود بین کوکبی ومعدل آن را بعد (دوری کوکب) گویند، وقوسی که از این واقع شود بین منطقة البروج ومعدل، آن را (میل اول منقطه) گویند.

پنجم: دائره عرض است، واین دائره میگذرد به دو قطب منقطة البروج، وقوسی از این دائره که واقع شود بین کوکبی ومنطقة البروج آن را (عرض کوکب) گویند، وقوسی از این که واقع شود بین معدل ومنطقه آن را (میل دوم) گویند.

وبدان که این پنج دائره مختلف نمی‌شود به اختلاف اماکن.

ششم: دائره افق است، واین دائره واسطه است بین نصف بالا ونصف پائین، واین دائره نصف میکند معدل النهار را بر دو نقطه یکی طرف مشرق وآن را (مشرق اعتدال) گویند، ودیگری طرف مغرب وآن را (مغرب اعتدال) گویند.

وهمچنین نصف میکند منطقة البروج را بر دو نقطه، یکی از آن دو را (طالع) ودیگری را (غارب) گویند.

هفتم: دائره نصف النهار است واین دائره واسطه است بین نصف شرقی ونصف غربی ومیگذرد به قطبهای معدل وافق، وغایت ارتفاع کواکب وقتی است که به این دائره رسند.

هشتم: دائره اول السماوات است، واین دائره واسطه است بین نصف شمالی ونصف جنوبی ومیگذرد به قطبهای افق ونصف النهار.

نهم: دائره وسط سماء ریه است، ومیگذرد به قطبهای منقطة البروج وافق، ودو قطب او نقطه طالع وغارب است.

دهم: دائره ارتفاع است ومیگذرد به هر نقطه ای که ارتفاع یا انحطاط آن را خواهند تعیین نمود، وهمچنین میگذرد به دو قطب افق، وقوسی که از این واقع شود بین دائره افق ونقطه طرف بالاـ آن را ارتفاع آن نقطه گویند، واگر واقع شود بین دائره افق ونقطه طرف پائین آن را انحطاط آن نقطه گویند.

وبدان که این پنج دائره مختلف می‌شوند باختلاف اماکن.

۴ نجم چهارم

۴ نجم چهارم

در کیفیت افلاک است

فلک قمر

قمر: کره است متوازی السطحین وآن را جو زهر گویند، ودر جو زهر فلک دیگر است که آن را مائل نامند، ودر کلفتی آن فلک دیگر است به این نحو که محدب آن با محدب مائل، ومقعر آن با مقعر مائل تماس مینمایند بر دو نقطه.

۱: اوج.

۲: حضیض.

واین فلک را حامل نامند.

ودر کلفتی حامل فلک دیگر است که آن را تدویر نامند، وقمر در کلفتی تدویر است (شکل ۲).

یوجد هنا صورهٔ علی شکل دوائر

انظر الصفحهٔ ۲۱۲ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک عطارد

عطارد: کره است متوازی السطحین، وآن را ممثل نامند، ودر کلفتی ممثل فلک دیگر است که محدب با محدب ومقعر با مقعر تماس مینماید چنان که گذشت وآن را مدیر نامند، ودر کلفتی مدیر فلک دیگر است که محدب با محدب ومقعر با مقعر تماس مینماید وآن را حامل نامند، ودر کلفتی حامل فلک دیگر است که آن را تدویر نامند، وعطارد در کلفتی او است ومعلوم باشد که دو اوج ودو حضیض در این فلک جمع می‌شود (شکل ۳).

یوجد هنا صورهٔ علی شکل دوائر

انظر الصفحهٔ ۲۱۳ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک زهره

زهره: کره است متوازی السطحین وآن را ممثل نامند، ودر کلفتی آن فلک دیگر است که محدب با محدب ومقعر با مقعر تماس کند بر نقطه اوج وحضیض، وآن را حامل نامند، ودر کلفتی حامل فلک دیگر است که آن را تدویر گویند، وزهره در کلفتی تدویر است (شکل ۴).

یوجد هنا صورهٔ علی شکل دوائر

انظر الصفحهٔ ۲۱۳ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک شمس

شمس: کره است متوازی السطحین، وآن را ممثل نامند، ودر کلفتی آن فلک دیگر است که محدب با محدب ومقعر با مقعر تماس کند بر نقطه اوج وحضیض، وآن را خارج مرکز گویند، وآفتاب در کلفتی خارج مرکز است (شکل ۵).

یوجد هنا صورهٔ علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۴ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک مریخ ومشتری وزحل

مریخ ومشتری وزحل: مانند فلك زهره است در تمام خصوصیات چنان که گذشت در (شکل ۴).
وبدان که چون فلکی در کلفتی فلك دیگر جای گیرد از فلك اول دو قطعه باقی ماننـد هلال، آن تکه که در بر گرفته است فلك اول را (متمم حاوی) نامند وآن تکه که در بر گرفته است فلك دوم را (متمم محوی) گویند، چنان که در اشکال معلوم است.
تتمه: تمام أفلاك از طرف مغرب به طرف مشرق حرکت میکننـد، مگر چهار فلك که از طرف مشرق حرکت میکننـد، ومحقق طوسی ? در این بیت آنها را جمع فرموده.
جانب غرب روانند چهار ای سائل
اطلس وجو زهر وباز مدیر ومائل

۵ نجم پنجم

در امور راجع به زمین است
دائره افق ومعدل چون بر زمین وارد شوند زمین منقسم می‌شود به چهار قسم: دو شمالی فوقائی وتحتانی، ودو جنوبی همچنین، وفقط ربع فوقانی شمالی معمور است (بنابر گفته قدماء).
واین ربع باز منقسم می‌شود به هفت قسم مستطیل، ازمشرق به مغرب که هر یک را اقلیم نامند، وتمیز اول هر یک از اول دیگری به آن است که بلندتر روز دومین نصف ساعت بیشتر است از بلنـدتر روز اولین، وابتداء أقالیم جائی است که نهار اطول دوازده ساعت وچهل وپنج دقیقه است (شکل ۶):
یوجد هنا صورة علی شکل دوائر
انظر الصفحة ۲۱۵ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی
فائده: خط استـواء در زمین زیر خط معدل النهار است در آسـمان وطول هر بلدی دانسته می‌شود بحساب نمودن قوسی که از معدل واقع می‌شود بین نصف النهار جزائر خالـدات که طرف مغرب است ونصف نهار آن بلد، وعرض هر بلدی دانسته می‌شود به حساب نمودن قوسی که از نصف النهار واقع می‌شود بین قطب افق وخط استـواء (یا معدل)، واگر طرف شـمال باشد (عرض شـمالی) واگر طرف جنوب باشد (عرض جنوبی) گویند.

۶ نجم ششم

در اقسام افق است
بدان که افق بر هفت قسم است، وهر یک را خواصی است.
اول: افق خط استـواء، یعنی کسانی که در خط استـواء ساکننـد فرضاً، این اشـخاص آفتاب بر سـر آنها می‌رسـد وقت ظهر در اعتـدال ربیعی واعتـدال خریفی (روز اول بهار، وروز اول پائین) پس هیـچ چیز سایه ندارد ودور می‌شود به غایت آفتاب از ایشان در انقلاب صیفی وانقلاب شـتوی (روز اول گرمـا وروز اول سـرما) وفصول ایشـان هشت است وهمیشه شب وروز ایشـان مسـاوی است تقریباً، واین افق را (دولابی) نامند.
دوم: افق بعد از خط استواء وقبل از میل کلی.

واین اشخاص آفتاب بر سر آنها می‌رسد وقت ظهر هنگامی که دوری آفتاب از معدل به قدر دوری ایشان باشد وآفتاب طرف شمال باشد، واین دو روز می‌شود: یکی در وقت دور شدن آفتاب از معدل، ودیگری وقت نزدیک شدن آفتاب به معدل، ودر این دو روز هیچ چیز سایه ندارد.

واینها در فصول وتساوی شب وروز مانند قسم اولند تقریباً.

سوم: افق که زیر میل کلی (منطقهٔ البروج) باشد.

واین اشخاص آفتاب بر سر آنها می‌رسد وقت ظهر هنگامی که در انقلاب صیفی (روز اول گرما) باشد، پس هیچ چیز سایه ندارد، ومنتهی دوری آفتاب از ایشان وقتی است که در انقلاب شتوی (روز اول سرما) باشد.

چهارم: افق که بعد از میل کلی وقبل از تمام المیل باشد (شصت وشش درجه ونصف تقریباً از معدل).

واین اشخاص آفتاب بر سر آنها هیچ وقت نمی‌رسد، واز برای آفتاب دو ارتفاع است بالنسبه به سوی افق (اعلی)، وآن وقتی است که در انقلاب صیفی باشد و(اسفل) وآن وقتی است که در انقلاب شتوی باشد.

پنجم: افق که زیر تمام المیل باشد (بیست وسه درجه ونیم تقریباً به قطب معدل مانده).

واین اشخاص آفتاب بر سر ایشان نمی‌رسد، واز برای آن دو ارتفاع است (مانند قسم چهارم) وروز ایشان بلند می‌شود تا آنکه به بیست وچهار ساعت می‌رسد وهمچنین شب.

وبه این قسم تمام می‌شود عمارت.

ششم: افق که بیشتر از تمام المیل وقبل از زیر قطب معدل باشد.

واین قسم مانند قسم پنجم است غیر از آنکه بعض خصوصیات منطقهٔ البروج در این افق تفاوت دارد.

فائده: آفاق این اقسام پنج گانه را آفاق (حمائلی) نامند وفصول این اقسام چهار گانه (چهار) می‌باشد وشب وروز این اقسام چهار گانه مساوی نیست.

فائده: سایه قسم اول ودوم گاه شمالی وگاه جنوبی است، ولی سایه بقیه اقسام همیشه شمالی است.

هفتم: افق که در زیر قطب معدل النهار باشد.

واین اشخاص آفتاب بر سر ایشان نمی‌رسد وغایهٔ ارتفاع آفتاب از افق به قدر میل کلی است، وطلوع وغروبی از برای آفتاب نیست مگر به حرکت خود، واز این جهت سال یک شب بلندتر ویک روز کوتاه تر است.

وآفتاب بر دور افق دور می‌زند، وبه این سبب سایه فر می‌خورد، واین افق را (رحوی) نامند.

۷ نجم هفتم

در احوال ماه است

ماه جرمی است گرد، وآن تیره وصیقلی (مانند آینه) است، وکوچکتر از خورشید می‌باشد واز این جهت همیشه بیشتر از نصف آن نورانی است.

واختلاف می‌شود در دیدن اهل زمین ماه را به سبب دوری ونزدیکی آن به خورشید.

وبه جهت سهولت فهم فرض می‌کنیم ماه وخورشید را در دو نصف دائره که در مرکز آن دائره زمین باشد، پس هنگامی که این دو نصف دائره زیر یکدیگر باشند ولو تقریباً، تمام صورت نورانی ماه به طرف خورشید است وصورت تاریک او به طرف زمین است واین حال را (محاق) نامند که در آخر ماه می‌شود.

وچون این دو نصف دائره قدری از هم دور شوند گوشه ای از طرف نورانی ظاهر شود، واین حال را (هلال) گویند واین در اوائل

ماه است.

وچون این دو نصف دائره بر یکدیگر قائم شوند یعنی ربع آسمان بین این دو فاصله شود نصف از نورانی را مشاهده کنیم ودر این حال باز (هلال) گویند، اگر چه بعضی گفته اند که بعد شب سوم ماه را (قمر) نامند.

وچون این دو نصف دائره مقابل یکدیگر شوند وتشکیل یک دائره تامه دهند یعنی نصف آسمان بین این دو فاصله شود، تمام نصف نورانی به طرف زمین شود وحالت محاق عکس گردد ودر این حال ماه را (بدر) گویند، وپس از آن این دو نصف دائره از طرف دیگر به هم نزدیک شوند مانند اول، باز نور کم شود وثانیاً قمر وهلال ومحاق پیدا شود. (شکل ۷):

یوجد هنا صورهٔ علی شکل دوائر

انظر الصفحهٔ ۲۱۹ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۸ نجم هشتم

در کسوف وخسوف است

چون آن دائره ای که خورشید در آن سیر می‌کند با آن دائره ای که ماه در آن سیر می‌کند مانند دو حلقه اند که کج در یکدیگر نموده باشد، لذا در دو موضع با یکدیگر تقاطع می‌کنند، که یکی از آن دو را (رأس) ودیگری را (ذنب) میگویند.

پس هر گاه ماه وخورشید با یکدیگر جمع شوند در یکی از این دو نقطه، ماه حائل می‌شود بین خورشید وزمین، پس اگر تمام ماه جلو تمام خورشید واقع شود، خورشید را میپوشاند از انظار، واین حال را (کسوف کلی) نامند.

واگر بعض ماه جلو بعض خورشید واقع شود، بعض خورشید را میپوشاند از انظار، واین حال را (کسوف جزئی) نامند.

وهر گاه ماه در یکی از آن دو نقطه، وخورشید در نقطه دیگر باشد، پس اگر تمام ماه مقابل تمام خورشید واقع شود، زمین فاصل می‌شود بین ماه وخورشید ونمی گذارد ماه کسب نور از خورشید نماید، واین حال را (خسوف کلی) نامند.

واگر بعض ماه مقابل بعض خورشید واقع شود، زمین فاصل می‌شود بین آن دو بعض ونمی گذارد بعض ماه کسب نور نمایند واین حال را (خسوف جزئی) نامند (شکل ۸).

یوجد هنا صورهٔ علی شکل دوائر

انظر الصفحهٔ ۲۲۱ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

وبدان که اگر این حالات فوق الأفق باشد، خسوف وکسوف مرئی گویند، واگر تحت الأفق باشد غیر مرئی نامند.

۹ نجم نهم

در صبح وشفق است

اما صبح: پس آن روشنانی است که در مشرق پیش از طلوع آفتاب پیدا گردد وسبب آن، آن است که ظل مخروط زمین که هنگام شب بر روی زمین وهنگام روز زیر زمین است چون خورشید نزدیک مشرق رسد هیجده درجه مانده تقریباً به طلوع شعاع فصل مشترک دیده می‌شود (آن محلش که نزدیک به جای بیننده باشد) وبین موضع روشن وافق تاریک است، واین را (صبح کاذب) گویند.

وچون نزدیکتر می‌شود آفتاب، آن روشنی پهن می‌شود قریب به افق زیر روشنی أول، واین را (صبح صادق) گویند، وبعد از آن به سرخی می‌افزاید تا آنکه طلوع کند.

واما شفق: پس آن روشنانی است که در مغرب بعد از غروب آفتاب باقی ماند، واین عکس صبح است اول سرخ میباشد، پس از آن

سفید وپهن، وبعد باریك وبلند، وبعد از این تمام می‌شود (شکل ۹).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۲ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۱۰ نجم دهم

در استخراج خط نصف النهار است

تقریباً به دائره هندیه

اگر زمین را صاف نمایند یا بر لوح صافی دائره کشند، وبر مرکز آن دائره (شاخصی) از چوب یا معدن که بلندی آن قدر ربع قطر آن دائره است نصب نمایند، پس چون آفتاب در آید از برای آن شاخص سایه بلندی به طرف مغرب باشد وهمی سایه کوتاه می‌شود تا آنکه داخل دائره می‌شود، آنگاه موضع دخول را علامت گذارند.

وبعد از ظهر به چندی سایه از دائره خارج می‌شود، آنگاه موضع خروج را علامت گذارند.

پس قوس بین دو علامت را نصف نمایند، پس از نصف تا نقطه مرکز که محل شاخص است خطی کشند (از خط نصف النهار است) وچون سایه از او گذرد به طرف مشرق وقت ظهر باشد (شکل ۱۰).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۳ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۱۱ نجم یازدهم

در معرفت سمت قبله است

بدان که بلاد نسبت به مکه معظمه (زادها الله شرفاً) از هشت حال بیرون نیست.

چون طول شهر نسبت به طول مکه یا زیادتر است، یا کمتر است، یا مساوی است.

ودر هر یک از این سه حال عرض شهر نسبت به عرض مکه یا کمتر است یا زیادتر است یا مساوی، مجموع نه قسم می‌شود، طول وعرض مساوی ساقط گردد بقیه هشت قسم میماند، وتفصیل آن از این قرار است:

۱: اگر عرض شهر بیشتر باشد وطول مساوی، قبله نقطه جنوب باشد.

۲: اگر عرض شهر کمتر باشد وطول مساوی، قبله نقطه شمال باشد.

ودر شش قسم دیگر ترتیب آن است که تفاوت بین طول مکه وطول شهر را ملاحظه مینمائیم از جدول طول بلاد، پس به جهت هر درجه از تفاوت چهار دقیقه ساعت میگیریم وآنچه مجموع دقائق گردد نگاه داریم، آنگاه روزی که آفتاب در آن روز در درجه هشتم جوزاء یا درجه بیست وسیم سرطان باشد، از روی تقویم یا غیره، چون در آن روز به ظهر مقدار دقائق مذکوره مانده باشد سایه مقیاس سمت قبله خواهد بود، اگر طول بلد کمتر از طول مکه باشد.

وهمچنین چون در آن روز از ظهر مقدار دقائق مذکوره گذرد سایه مقیاس سمت قبله خواهد بود اگر طول بلد بیشتر از طول مکه باشد. (شکل ۱۱).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۵ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۱۲ نجم دوازدهم

در شمه ای از تاریخ است

بدان که سال شمسی عبارت است از گردش آفتاب به حرکت اختیاریه بر دور کره زمین().

وماه شمسی عبارت است از حرکت خورشید به اختیار در یک برج.

وسال قمری عبارت است از دوازده ماه قمری، وسبب تسمیه قرب او است از حیث مدت به سال شمسی.

وماه قمری عبارت است از رؤیت هلال تا رؤیت هلال، واز بیست ونه روز کمتر نشود واز سی روز زیادتر نشود، وتا چهار ماه سی سی میتوان بود وتا سه ماه بیست ونه میتوان بود.

وچون در سالی حادثه عظیمه واقع شود آن را مبدء سازند تا حادثه های دیگر را قیاس به آن کنند، وآن را (تاریخ) خوانند، وتاریخ های مشهور چهار است:

اول: تاریخ هجری، وآن روزی است که حضرت پیغمبر ? از مکه منوره به مدینه مشرفه هجرت فرموده، واول سال روز اول محرم است وماههای آن دوازده است از این قرار:

۱: محرم.

۲: صفر.

۳: ربيع الأول.

۴: ربيع الثاني.

۵: جمادى الأولى.

۶: جمادى الآخرة.

۷: رجب.

۸: شعبان.

۹: رمضان.

۱۰: شوال.

۱۱: ذی القعده.

۱۲: ذی الحجة.

امید است که به همین زودی تاریخ تجدید شود به برکت قدوم حضرت ولی إمام زمان (عجل الله تعالی فرجه وسهّل مخرجه وجعلنا من أنصاره وأعوانه).

دوم: تاریخ فرس وآن روزی است که یزدجرد شهریار جلوس نموده وهر سیصد وشصت وپنج روز را یک سال گیرند، ونام های ماه های آن از این قرار است:

۱: فروردین.

۲: اردیبهشت.

۳: خرداد.

۴: تیر.

۵: مرداد.

۶: شهریور.

۷: مهر.

۸: آبان.

۹: آذر.

۱۰: دی.

۱۱: بهمن.

۱۲: اسفند.

وهر ماه آن سی روز است غیر از یک ماه که آن سوی وپنج روز است().

سوم: تاریخ رومی، ومبدء آن بعد از وقات (اسکندر بن فیلقوس) رومی است به دوازده سال.

وماههای ایشان دوازده است، هفت ماه هر ماهی سی ویک روز، وچهار ماه هر ماهی سی روز، ویک ماه بیست وهشت روز، وهر چهار سال یک مرتبه این ماه را بیست ونه روز گیرند.

وماه های ایشان از این قرار است:

۱: تشرین اول.

۲: تشرین دوم.

۳: کانون اول.

۴: کانون دوم.

۵: شباط.

۶: آذار.

۷: نیسان.

۸: أیار.

۹: حزیران.

۱۰: تموز.

۱۱: آب.

۱۲: أیلول.

چهارم: تاریخ ملکی، و(جلالی) نیز گویند، مبدء آن روز جمعه دهم رمضان سنه چهار صد وهفتاد ویک، بعد از هجرت است، وهر سیصد وشصت وپنج روز وکسری را سال گیرند.

وأول سال ایشان روز أول حملست، وهرماه ایشان مدت مکث آفتاب است در برج، واسامی ماههای ایشان اسامی ماههای فرس، ودر بعض خصوصیات اختلاف دارد.

???

سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین، وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین، واللعنة علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

کربلاء المقدسة

محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

رجوع إلی القائمة

پی نوشتها

() تألیفات آیهٔ الله العظمی شیرازی متجاوز از یکهزار کتاب وجزوه میباشد، که از این مقدار تنها بیش از ۱۰ عنوان فارسی و مابقی به زبان عربی است، ضمنا قریب به صد عنوان عربی از تألیفات ایشان به فارسی ترجمه شده است. به کتاب (الفهرست) مراجعه شود.

() مخفی نماند این نظریه پیشینیان است، اما امروزه ثابت شده که زمین برگرد خورشید می‌چرخد.

() امروزه به جای اینکه یک ماه ۳۵ روز باشد شش ماه ۳۱ روز بوده ویک ماه ۲۹ روز میباشد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».